

رساله سوم یوحنا رسول

۱ من که پیرم به غایس حبیب که او را در راستی محبت می‌نمایم. ۲ ای حبیب دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی چنانکه جان تو کامیاب است. ۳ زیرا که بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند چنانکه تو در راستی سلوک می‌نمایی. ۴ مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند. ۵ ای حبیب آنچه می‌کنی به برادران و خصوصاً به غریبان به امانت می‌کنی. ۶ که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هرگاه ایشان را بطور شایسته خدا بدرقه کنی نیکویی می‌نمایی زیرا که بجهت اسم او بیرون رفتند و از امت‌ها چیزی نمی‌گیرند. ۷ پس بر ما واجب است که چنین اشخاص را بپذیریم تا شریک راستی بشویم.

۸ به کلیسا چیزی نوشتم لکن دیوتریفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد ما را قبول نمی‌کند. ۹ لهذا اگر آیم کارهایی را که او می‌کند به یاد خواهم آورد زیرا به سخنان ناشایسته بر ما یاوه‌گویی می‌کند و به این قانع نشده برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند.

۱۰ ای حبیب به بدی اقتدا منما بلکه به نیکویی زیرا نیکو کردار از خداست و بدکردار خدا را ندیده است. ۱۱ همه مردم و خود راستی نیز بر دیمتریوس شهادت می‌دهند و ما هم شهادت می‌دهیم و آگاهید که شهادت ما راست است.

۱۲ مرا چیزهای بسیار بود که به تو بنویسم لکن نمی‌خواهم به مرکب و قلم به تو بنویسم. ۱۳ لکن امیدوارم که به زودی تو را خواهم دید و زبانی گفتگو کنیم.

۱۴ سلام بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به دوستان نام به نام برسان.